

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ • ۱۲ رمضان ۱۴۴۶ • ۱۳ مارس ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۷۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۸ • اذان صبح فردا ۴:۵۳ • طلوع آفتاب ۶:۱۷

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

از اول خرداد ۱۴۰۳ که آگهی ثبت‌نام داوطلبان سی‌وسومین دوره انتخابات هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز منتشر شد، تا تاریخ جدید اعلام‌شده برای برگزاری انتخابات جدید در اول خرداد ۱۴۰۴، به شکل دقیق یک سال می‌گذرد. در سال ۱۴۰۳ وکلای دادگستری و کانون وکلا (یکی از قدیمی‌ترین نهادهای حرفه‌ای کشور) دستاوردی جز کشمکش و اختلاف نداشتند و گامی به جلو برداشته نشد. در ادامه مروری داریم به حوادثی که گذشت و چشم‌انداز نگران‌کننده پیش‌روی وکلا در سال آینده.

نخست، ابطال انتخابات مهر ۱۴۰۳: از شروع آگهی اعلام مهلت ثبت‌نام داوطلبان در ۱ خرداد ۱۴۰۳ روند به شکلی عادی در پیش بود؛ ثبت‌نام، بررسی هیئت نظارت، اعلام اسامی تأیید‌شده‌گان توسط دادگاه عالی انتظامی قضات، روز رأی‌گیری، شمارش آرا و اعلام اسامی منتخبان و سرانجام تأیید انتخابات توسط هیئت نظارت پس از چند اعتراض غیرجدی. اما با شکایت افرادی از تصمیم هیئت نظارت بر تأیید انتخابات، پرونده به دادگاه عالی انتظامی قضات رفت که در همین ایام به شکل ناکهانی رئیس این نهاد عالی قضائی (نسی‌الله داودی مازندرانی) برکنار شد و خلاف قواعد دادرسی، پرونده به‌جای ارجاع به



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

هیئت نظارت بر انتخابات کانون کردستان، امضای هر هفت نفر دیده می‌شود.

سوم، ابهام‌های انتخابات خرداد ۱۴۰۴: در اطلاعیه ۱۸ اسفند هیئت نظارت بر انتخابات سی‌وسومین دوره انتخابات آمده است: «به اطلاع عموم وکلای محترم دادگستری عضو کانون مرکز می‌رساند، برابر تصمیم مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ هیئت نظارت بر انتخابات سی‌وسومین دوره هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز، پس از بحث و بررسی و با لحاظ کلیه جوانب امر، برگزاری انتخابات به صورت تلفیقی (حضوری و آنلاین) و در روز پنجشنبه ۱۴۰۴/۳/۱ (یکم خردادماه هزاروچهارصدوچهار شمسی) و در محل کانون وکلای دادگستری مرکز تعیین و اعلام می‌گردد.»

نکنه جالب در این اطلاعیه برگزاری به شکل «حضوری و آنلاین» است که گرچه در تبصره ماده ۱۷ «آیین‌نامه اجرائی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری» در صورت فراهم‌بودن امکانات فنی امکان برگزاری تمام یا بخشی از فرایند انتخابات به شکل برخط (آنلاین) امکان‌پذیر است، به این دلایل برگزاری بخش «آنلاین» چندان به صلاح نبوده و نگران‌کننده است: اولاً، انتخابات قبلی به بهانه پاره‌ای از حاشیه‌ها ابطال شده و فضای جامعه وکالت را جو بی‌اعتمادی فراگرفته است؛ ثانیاً، این تصمیم اختیاری است و اجباری وجود ندارد، به‌ویژه اینکه در شرایط اقتصادی کشور هزینه میلیاردي به کانون وکلا تحمیل خواهد کرد؛ ثالثاً، اگر نتیجه رأی‌گیری ۱ خرداد ۱۴۰۴ خلاف انتخابات ۱۹ مهر ۱۴۰۳ باشد، شایعه دستکاری و تقلب به راه خواهد افتاد؛ رابعاً، حتی در زمانی که کانون مرکز متشکل از هفت استان بود و استان‌هایی با فاصله صدها و گاهی هزاران کیلومتری از پایتخت (هرمزگان، کرمان و یزد) عضو کانون مرکز بودند، چنین تدایبری اندیشیده نمی‌شد و همه مکلف بودند حضوری در ساختمان میدان آرژانتین حاضر شوند، حالا که تنها دو استان تهران و سیستان‌بلوچستان عضو کانون مرکز هستند و بیشتر وکلا در عمل در شهر تهران حضور



کل شبوب، از دریاز زینت‌بخش سفره‌های هفت‌سین ایرانی‌ها بوده است. این گل، از اواسط اسفندماه شکفته می‌شود و تا اواسط اردیبهشت، زیبایی و عطر خود را حفظ می‌کند. اسامال نیز در آستانه فصل نو، باغداران گلخانه‌های خمینی‌شهر استان اصفهان طبق روال هر ساله، گل‌های خوش‌عطر شبوب را تولید و روانه بازار نوروزی کشور، می‌کنند.

عکس: علی آذر، باشگاه خبرنگاران جوان

انتخابات کانون وکلای دادگستری؛ یک سال تلاش و در نهایت هیچ!

دارند، تدبیر برگزاری انتخابات آنلاین کمی عجیب به نظر می‌رسد؛ خامسا، بیشتر موافقان انتخابات آنلاین در فضای رسانه‌ای را مخالفان منتخبان (به‌ویژه منتخب اول) انتخابات ۱۹ مهر تشکیل می‌دهند که ابهام را بیشتر می‌کند. گرچه عبارت «تلفیقی» مبهم است. چهارم، بحران عدم مشارکت وکلا؛ گفته شده کانون مرکز ۳۰ هزار عضو فعال دارد، اما متأسفانه حدود پنج هزار نفر در رأی‌گیری قبلی شرکت کردند که کمتر از ۲۰ درصد است. مشارکت‌نکردن وکلا در انتخابات، فضا را برای اقلیت بدون پشتوانه برای جولان‌دادن و زیر پا گذاشتن مصالح مورد نظر اکثریت جامعه وکالت، باز می‌کند.

پنجم، شایعه ابطال دوباره انتخابات: در جامعه وکالت این شایعه در جریان است که انتخابات ۱ خرداد ۱۴۰۴ نیز ابطال خواهد شد. تجربه نشان داده است همان‌طورکه در ضرب‌المثل فارسی آمده «تا نباشد چیزیکی، مردم نگویند چیزها»، بیشتر شایعات بعدها محقق می‌شود. امیدواریم موضوع صحت نداشته باشد و نهادهای نظارتی به‌جای دخالت در فرایند انتخابات و جهت‌دهی به نتیجه، به همان وظیفه ذاتی خود که صیانت از آراست، بپردازند.

نکته خوانی

آیا گفتمان امروز رئیس‌جمهور امید به مذاکره را از بین برد؟

محمد اعلمانی

از سمت و سوی تعامل و مذاکره به سمت منافع خود هستند.

آنچه از دولت فعلی انتظار می‌رود، حفظ تعادل بین تفکرات و احزاب مختلف در کشور و ایجاد وفای به شکل واقعی در کشور است. آنچه مسلم است، این است که وفای درست و متعادل در شرایط فعلی می‌تواند کلید نجات کشور از تنگناها و مشکلات کشور باشد. شاید این امر به طور مستقیم به مذاکره با طرف غربی مرتبط نباشد اما قدر مسلم وفای درست در میان اهرام قدرت در کشور می‌تواند باعث ایجاد اتحاد و رفع موانع داخلی در کشور شده و دولت را مجاد به نگاه به مذاکره نزدیک کند. طبیعتاً در این میان تغییر گفتمان طرف غربی از گفتمان اجباری به گفتمان منعطف‌تر بی‌تأثیر نخواهد بود.

زندگی خوانی

خشونت در ژن‌ها ماندگار می‌شود

تغییرات ناشی از خشونت در جنگ داخلی سوریه را نشان دادند.

تغییرات مشاهده‌شده توسط محققان در بین قربانیان خشونت و فرزندان آنها ثابت بود و نشان می‌دهد استرس ناشی از درگیری، پیام‌های شیمیایی مرتبط با این ژن‌ها را تغییر داده است. یکی از محققان می‌گوید: «همه آنها مقاومت کردند. این انعطاف‌پذیری و استقامت احتمالاً یک ویژگی منحصربه‌فرد انسانی است. البته پیامدهای مخرب بسیار بیشتری از خشونت برای قربانیان و فرزندان آنها وجود دارد؛ از جمله آسیب‌های قابل توجهی به سلامت روان و سلامت جسمی که توسط مطالعات قبلی پوشش داده شده است.»

به گفته محققان، این یافته‌ها احتمالاً در بسیاری از اشکال خشونت از جمله خشونت خانگی، خشونت جنسی و خشونت با اسلحه اعمال می‌شود. این اعمال تأثیرات ماندگاری بسیار فراتر از اقدامات مربوط به آن دارند.

این ایده که تروما و خشونت می‌تواند عواقبی برای نسل‌های آینده داشته باشد، باید به مردم کمک کند همدل‌تر باشند و به سیاست‌گذاران کمک کند تا به مشکل خشونت توجه بیشتری کنند.

شاهنامه‌خوانی

اسفندیار بر گیتی چشم فرومی‌بندد(۱)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

سیمرغ نیک دریافت آنگاه که زرتشت، اسفندیار نوزاد را در آب مقدس شست‌وشو داد، اسفندیار بی‌آنکه خود بخواهد به هنگام فرورفتن در آب چشمان خویش را بسته است و به همین روی چشمان وی روین نگشته، آسیب‌پذیر شده است و نیز سیمرغ نیک می‌دانست اسفندیار نه‌تنها به هنگام فرورفتن در آب مقدس برای روین‌شدن چشم فروبسته بود، که چشم خرد او نیز تارک شده بود، وگرنه درباره اندرزهای مادر اندکی می‌اندیشید و پهلوانی‌های رستم را در نگاهداشت خاندان کیانی در یاد می‌داشت و در برابر لابه‌های رستم که از نبرد با او پرهیز داشت، اندکی نرمی نشان می‌داد و می‌توان به‌روشنی گفت که اسفندیار بی‌خوبستن

خویش مرگ را آرزو می‌کرد و اینک مرگ: گفته شد پس از نبرد سه‌مگین دو پهلوان یکی جوان و با سری برپاد و دیگری پیر و با پیشینه‌ای درخشان هر دو دست از نبرد سستند و به سرای خویش بازگشتند. پهلوان پیر با تنی خونین به دیوان خود بازگشت و با یاری سیمرغ پاکیزه تن از هر زخمی نگاهان دیگر به سرآیبرده اسفندیار آمد و او را فراخواند نه به نبرد، که به آشتی. پهلوان پیر همان‌گونه که سیمرغ او را گفته بود، باز هم نزد اسفندیار لایه کرد که تن خویش مزارک‌ه او خود تو را تا دربار گشتاسب همراه خواهد شد و اسفندیار با پوزخندی لایه‌های رستم را پاسخ گفت، اگرچه از درست تنی رستم و شادابی رخس که روز پیشین آن‌گونه او را زار و نزار ترک گفته بودند، در شگفت بود.

اسفندیار نه‌تنها به خواوش‌های رستم به مهر پاسخی نداد، که بر او خروشید که ای کائن نام تو در جهان ناپدید شده بود و افزود می‌داند که از نیرنگ زال اکنون بدین‌سان درست گشته است وگرنه امروز می‌بایست در جست‌وجوی گور خویش می‌بود. رستم در پاسخ گفت: آیا از نبرد و خون‌ریختن سیر نگشته‌ای، از جهاندار یزدان پاک بترس و این‌گونه چشم خود را کور نگران. من امروز برای نبرد نیامده‌ام و آمده‌ام از تو به زاری و به لایه بخوام دست از کینه‌جویی بشویی و راه آشتی در پیش‌گیری.

من امروز تن بهر جنگ آدمم / بی‌بوزش و نام و ننگ آدمم
تو با من به بیداد کوشی همی / دو چشم خرد را بیوشی همی
تو را به خورشید و ماه و به اوستا و زند سوگند می‌دهم که راه گزند در پیش نکیر و به‌خانه‌ام بیا که در خانه خویش تو را گرامی می‌دارم و در گنج دیرینه خاندان خویش را به روی تو می‌گشایم و آنگاه هرچه فرمان دهی همان کنم و چون به درگاه گشتاسب رسیدیم، اگر فرمان مرگ مرا داد شایسته آن هستم و اگر به بندم کشد، فرمان بیرم. اکنون هرآنچه در توان دارم به کار می‌گیرم تا تو را از کارزار سیر کردانم.

دریغاً که اختر اسفندیار روی به خاموشی داشت که این‌گونه لایه‌های رستم را پاسخ گفت: ای مرد فریب، من اندیشه نبرد ندارم، تو پسای در بند بنه و با من همراه شو که مرا از تو کینه‌ای نیست

فرمان شاهنشاه ایران است. باز هم رستم زبان به مهر گشود: شهریارا راه بیداد در پیش بگیر که اگر در این نبرد کشته شوی، نام من زشت و خواری می‌شود. از دل کینه را برون کن و دیو را با خرد هم‌نشین مگردان. اسفندیار در پاسخ گفت: تا کی سخن بیهوده می‌گویی، آیا از من می‌خواهی بر فرمان شهریارم پشت کنیم؟ که هرکس به فرمان شاه جهان پشت کند، روزگار او به سر آید. تنها پاسخی که پذیرای آن هستم، اینکه پای در بند نبهی و با من همراه گردی. رستم دانست که لایه‌های او به کار نیاید. آنگاه کمان را به زه کرد و آن تیر گز را که بیکانش را با آب زرزاستلی داده بود، در چله کمان گذاشت ولی تیر را رها نکرد، سر به سوی آسمان کرده گفت: ای آفریننده خورشید و ماه، ای تو که دانش و شکوه و زور را فروزی می‌بخشی، تو خود آگاهی که تا کجا از او خواستم دست از نبرد بشوید و چه زاری‌های کردم که مگر از این کارزار سر بییجد و تو خود می‌دانی او تنها در بیداد می‌کوشد و زورمندی خویش را به من می‌فروشد. از تو می‌خواهم مرا به بادفره این گناه مگیری.